

ایل کرد چمشگزک و حفاظت از مرزهای شمال شرق ایران پس از قرن یازدهم هجری قمری

علی باقرزاده فلاح^۱

شهربانو دلبری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

چکیده

یکی از ایل‌های کرد نژاد ایران، ایل چمشگزک می‌باشد. این ایل تا قبل از قرن یازدهم (ه.ق) در مناطق دیار بکر و جنوب ارزنجان در کشور عثمانی زندگی می‌کردند. با رفتار قهر آمیز دولت عثمانی با شیعیان در شرق آناتولی، ایل شیعه مذهب چمشگزک به داخل ایران کوچ نموده و در منطقه مرزی مهاباد و اطراف آن ساکن گردید. همزمان با تشکیل دولت صفوی ازبکان که در ماورالنهر به قدرت رسیده بودند با حملات مکرر خود آرامش و امنیت را از مرزهای شمال شرقی ایران سلب نموده بودند. به طوری که ناامنی در مرزهای شمال شرقی ایران عمده ترین مشکل امنیتی این دولت بود. یکی از اقدامات دولت صفوی کوچ این ایل از شمال غربی ایران به مرزهای شمال شرقی کشور بود. این ایل در پیشگیری از تجاوزات ازبکان مانند دیوار دفاعی مستحکمی عمل نموده و مانع از هجوم آنان به مناطق مرکزی ایران گردید. یکی از اهداف اصلی این نوشتار، بیان علل کوچ این ایل به منطقه مرزی شمال شرق کشور و هدف دیگر آن تبیین نقش دفاعی آن در مقابل تجاوزات مکرر ازبکان می‌باشد. بررسی عوامل موفقیت این ایل در تحقق اهداف فوق موضوع مورد مطالعه این مقاله می‌باشد که به روش توصیفی-تحلیلی تبیین گردیده است. به نظر می‌رسد اعتقاد به مذهب تشیع، شجاعت نژادی و علاقه به آب و خاک این سرزمین از عوامل اصلی این موفقیت بوده است.

کلیدواژه ها: ایل چمشگزک، دولت صفوی، ازبکان، دولت عثمان

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. Ali.bagherzadeh14@yahoo.com

^۲ استادیار گروه تاریخ تمدن ملل اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. delbari0410@mshdiau.ac.ir

مقدمه:

کشور ایران از نظر جغرافیایی از اهمیت سوق الجیشی فوق العاده ای برخوردار می باشد. دسترسی این کشور به آب های آزاد جهان به اهمیت آن افزوده و شرایط طبیعی و عبور مسیر تجارت شرق و غرب از این سرزمین آن را در معرض طمع اقوام مهاجم قرار داده است. در مقاطعی از تاریخ این کشور که اقتدار سیاسی و یکپارچگی ملی دچار ضعف و ناتوانی گردیده، قسمتی از این سرزمین پهناور مورد تهاجم بعضی اقوام بیگانه واقع گردیده است.

در شرایط ملوک الطوایفی نیمه دوم قرن نهم هجری قمری که دولتهای محلی در نقاط مختلف ایران تاسیس شدند، در منطقه ماوراءالنهر ازبکان با غلبه بر بازماندگان تیموریان دولت نوپایی بنیاد نهاده و با استفاده از شرایط داخلی ایران به طور مکرر تهاجمات ویرانگری را به مرزهای شمال شرقی ایران نموده و خسارتهای جبران ناپذیری به این مناطق وارد می نمودند. حاکمیت محلی نیز به دلیل ضعف و ناتوانی قادر به جلوگیری از این تهاجمات نبود. به همین خاطر ازبکها به طور مکرر غیر از نقاط مرزی به نقاط مرکزی ایران از جمله دامغان، سمنان، کاشان و اراک تجاوز می نمودند.

با تشکیل دولت صفوی در آغاز سده دهم هجری شاه اسماعیل (۹۳۰-۹۰۵ ه.ق) و پس از او فرزندش شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ ه.ق) اقداماتی در خصوص جلوگیری از این تهاجمات به عمل آوردند و چندین مرتبه دولت نوپای صفوی آنها را از مناطق مرزی دور نمود، ولی ازبکان از هر فرصتی برای تهاجم مجدد استفاده می نمودند. در نتیجه بحث نامنی در مناطق مرزی شمال شرق ایران همواره از جمله مشکلات عمده حکومت صفوی به شمار می رفت. با روی کار آمدن شاه عباس اول (۱۰۳۸-۹۸۶ ه.ق) وی به فکر رفع این مشکل برآمد و با توجه به تجربیات سیاسی و نبوغ ذاتی و شناخت لازم از ویژگیهای اقوام کرد، کوچ ایل بزرگ کرد چمشگزک « این کلمه اصطلاحی ترکی مرکب از چامش یا چامش (گاو) و گزک (گشتن و گردیدن) می باشد و این اصطلاح، مشخصه ایلی است که با گاو نقل مکان می نمودند» را به مناطق مرزی شمال شرقی کشور راه حل مناسبی برای این منظور دانست. با تدابیر او و استقرار این ایل به همراه چهل هزار خانوار کرد چمشگزک در منطقه مرزی آخال^۳ «خط مرزی بین امپراتوری روسیه با ایران که در سال ۱۲۹۹ ه.ق برای تعیین مرزهای دو کشور در مناطق ترکمن نشین شرق دریاچه خزر بسته شد» آرامش و امنیت در مناطق مرزی شمال شرقی کشور برقرار و مردم از امنیت لازم برخوردار گردیدند.

در اواخر دولت صفوی و همزمان با سلطنت شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵ ه.ق) به دلیل ضعف حکومت مرکزی و فشار بیش از حد ازبکان سران این ایل ناچار به داخل مرزهای ایران کوچ کردند و

۳. AKHAL

در شهرهای مرزی چناران، قوچان، شیروان، بجنورد، اسفراین، مانه و سملقان مستقر شدند. آنها در دوران سلطنت نادر شاه افشار با قدرت و شجاعت از تمامیت ارضی کشور دفاع نموده و یکی از گروههای موثر در فتوحات نادر محسوب می‌شدند. در سلطنت قاجارها بویژه در دوره ناصرالدین شاه نیز سران این ایل به همراه افراد ایل خود آرامش و امنیت را در مناطق مرزی شمال شرق ایران تامین نمودند. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، ایل کرد چمشگزک نقش تعیین‌کننده‌ای در تامین امنیت مرزهای شمال شرق کشور داشته است. در این جا این سوال مطرح می‌گردد که این ایل چگونه توانسته است با موفقیت از عهده این مشکل بزرگ برآید؟ همچنین سوال دیگر این است که انگیزه این ایل در این موفقیت ارزشمند و حیاتی چه بوده است؟ سوالاتی که این مقاله در صدد یافتن پاسخ آن‌ها است.

در رابطه با پیشینه تحقیق نکته قابل توجه در رابطه با ایل کرد چمشگزک این است که با وجود منابع فراوان در رابطه با قوم کرد، تعداد اندکی از این منابع به شرح و بیان مفصل خصوصیات این ایل و ویژگی‌های آن پرداخته‌اند. به طوری که می‌توان گفت تا کنون هیچ مقاله یا کتابی با عنوان ایل کرد چمشگزک تالیف نگردیده است. در تدوین و تنظیم این مقاله دو منبع به طور مشروح به معرفی منشا پیدایش و تاریخ زندگی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی این ایل پرداخته‌اند و سایر منابع به طور خلاصه اشاره‌ای به ایل کرد چمشگزک نموده‌اند که در این قسمت با معرفی این منابع نقاط قوت و ضعف هر یک را بررسی و سپس علت نگارش مقاله را بیان خواهیم نمود.

۱- نقد و بررسی مجموعه پنج جلدی کتاب با عنوان «حرکت تاریخی کرد به خراسان» تالیف کلیم الله توحیدی

نکات قوت:

این مجموعه پنج جلدی کامل‌ترین منبعی است که به منشا پیدایش و مراحل زندگی این ایل و معرفی خصوصیات و ویژگی‌های آنان پرداخته است. وجود تصاویر قابل توجه از سران قبایل و اسناد آرشیوی به اهمیت این منبع افزوده است.

نکات ضعف:

این مجموعه پنج جلدی از نظم و نگارش نامطلوبی برخوردار بوده و متن کتاب‌ها نیاز به بازنگری و اصلاح دارد.

بعضی از موضوعات چندین بار در مجموعه پنج جلدی تکرار گردیده است. تصاویری از صحنه‌های سران قبایل و بعضی از اسناد آرشیوی در صفحات غیر مرتبط درج گردیده است.

نویسنده در بعضی موارد احساس شخصی خود را در نگارش متن به کار برده است.

۲- نقد و بررسی مقاله با عنوان « تاملی پیرامون علل و چگونگی مهاجرت کردها به خراسان » تالیف یوسف متولی حقیقی

نکات قوت:

مقاله در حد متعارف از اصول نگارشی، نظم و پیوستگی مطالب برخوردار و به طور مشروح به بسیاری از خصوصیات این ایل پرداخته است.

مولف به دور از احساسات شخصی خود مقاله را تنظیم و اثر ماندگار و مفیدی ارائه نموده است.

نکات ضعف:

مولف عنوان مقاله را « تاملی پیرامون علل و چگونگی مهاجرت کردها به خراسان » تعیین نموده‌اند که همه‌ی قوم کرد را شامل می‌گردد و اختصاص به کردهای چمشگزک ندارد.

در این مقاله به نقش دفاعی این ایل از مرزهای شمال شرقی ایران و اهمیت این موضوع در حد لازم پرداخته نشده است.

۳- نقد و بررسی کتاب با عنوان « کرد و کردستان » تالیف محمد امین زکی، ترجمه حبیب الله تابانی نکات قوت :

این کتاب و سایر منابع استفاده شده از آثار فاخر در معرفی اقوام کرد می‌باشند که به پیدایش منشا کرد و تاریخ کردستان و وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آنان پرداخته و منابع بسیار مفیدی جهت هر پژوهشگر می‌باشند.

نکات ضعف:

با وجود ویژگی‌ها و نکات مثبت فراوان در این منابع به دلیل عدم توجه به جزئیات زندگی ایل کرد چمشگزک این منابع مورد استفاده زیاد قرار نگرفته است.

با توجه به نکات ضعف موجود در ارزیابی منابع فوق و ضرورت تهیه و نگارش مقاله ای علمی- پژوهشی با عنوان « ایل کرد چمشگزک و حفاظت از مرزهای شمال شرق ایران پس از قرن یازده هجری قمری » مولفین نگارش این مقاله را ضروری دانسته و مصمم به نگارش آن گردیدند.

پیشینه تاریخی ایل چمشگزک

کردها بزرگترین و قدیمی ترین قبایل بزرگ آریایی سرزمین ایران هستند که در محدوده‌ای از طرف شمال به ارمنستان و از مشرق به آذربایجان و عراق عجم و خوزستان، و از جنوب به عراق و از طرف مغرب به رود فرات و ولایات آسیای صغیر، در ایران و ترکیه و عراق سکونت دارند (مردوخ، ۱۳۳۵: ۵۱). ایل های بزرگ کردهای ایران عبارتند از: عیاری، شبانکاره جاودانی، اتابکی، اردلان، مامان، سوران برزیکانی، چمشگزک و ایوبیان در دیار بکر عراق (میرنیا، ۱۳۶۸: ۱۴).

منابع تاریخی برای نخستین بار در دوره سلجوقیان روم به ایل چمشگزک پرداخته‌اند. بدلیسی در شرف نامه موضوع را این گونه بیان می‌کند: «امیر سلیق بن علی بن قاسم که از امیران سلاجقه بوده و در زمان آلب ارسلان سلجوقی امارت ارزن الروم و توابع آنرا برعهده داشت در جنگی که در سال ۵۵۶ ق بین او و حکام گرجستان رخ داد به همراه بزرگان لشکر به اسارت آنان درآمد که با وساطت خواهرش که همسر پادشاه ارمنستان بود و ارسال تحف و هدایای فراوان به گرجستان آزاد گردید» (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۶۲). پس از مرگ او امارت به پسرش ملک محمد، سپس به جاقش و پس از او ملک‌شاه بن محمد به حکومت رسید. او با ادعای سلطنت در جنگی با سلیمان بن قلیچ ارسلان کشته شد. از آن تاریخ ارزن الروم به تصرف سلاجقه روم درآمد و احتمالاً حکام چمشگزک از اولاد ملک‌شاه می‌باشند. بدلیسی نام دیگر ایل چمشگزک را ایل ملکشاهی ذکر می‌کند (مینورسکی، ۱۳۷۰: ۱۹۶).

ملکیش ۳۲ قلعه در ناحیه تحت قلمرو چمشگزک‌ها ایجاد کرد و فرزندان او حتی در زمان حمله مغول و تیمور به استقلال در این ناحیه حکومت کردند (دانش نامه جهان اسلام، ج ۱۲، ۱۳۸۷: ۱۱۵). از دلایل حضور کردها در مناطق شرقی ایران پیش از دوره صفویه اطلاع دقیقی در دست نیست و فقط بعضی منابع اشاره مختصری به وجود کردها در قرون اولیه اسلامی در خراسان نموده‌اند. از جمله مسعودی در التنبیه والاشراف، خراسان را نیز یکی از سکونت‌گاههای کردها معرفی می‌کند (مسعودی، ۱۳۵۷: ۷۸). اصطخری هم در کتاب المسالک و الممالک خود در شرح منطقه (قهستان) و طیس آورده است که: «در میان این شهر و نواحی، بیابانهای فراوانی است، کرد و خلج، گوسفنداران آنجا نشینند» (اصطخری، ۱۳۴۷: ۲۱۶).

ابن حوقل از جغرافی‌نویسان قرن چهارم هجری در کتاب صوره الارض از حضور کردهای دامدار در مراتع و دشتهای بین شهرهای مختلف ایران سخن به میان آورده و به بیلاق و قشلاق آنها در تابستان و زمستان اشاره دارد (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۴۰). کلاویخو کشیش و جهانگرد اسپانیایی در اواخر سده هشتم قمری در ضمن سفری که به قصد ملاقات با تیمور گورکانی عازم سمرقند بوده است در نزدیکی نیشابور با طوایفی برخورد نموده و در مورد آنها می‌نویسد «در حدود یک فرسخ مانده به نیشابور اردوگاه بزرگی دیدیم که مرکب از تقریباً چهار صد چادر ... در این چادرها قبیله‌ای به نام الواری (که کرد هستند) زندگی می‌کنند و هیچ مسکن و خانه‌ای ندارند. جز این چادرها و هرگز هم در شهر یا دهکده‌ای مسکن نمی‌کنند بلکه زمستان و تابستان را در هوای آزاد به سر می‌برند و به گله‌چرانی اشتغال دارند» (کلاویخو، ۱۳۶۴: ۱۸۸).

در زمان قراقویینلوها (۷۷۷ - ۸۷۳ ه.ق) امیران چمشگزک به اطاعت امیر یوسف در آمدند (طهرانی، ۱۳۴۰: ۳۵). در زمان اوزون حسن آق قویینلو (۸۵۷ - ۸۸۲ ق) که قصد براندازی دودمانهای محلی مرتبط با قراقویینلوها را داشت، شیخ حسن امیر جوان چمشگزک هجوم خربنده لوها را که به تحریک

آق قوینلوها به سرزمین چمشگزک حمله کرده بودند دفع نموده و تا زمان شاه اسماعیل صفوی (۹۰۵-۹۳۰ ه.ق) استقلال خود را حفظ کرد (بدلیسی، ۱۳۷۷: ۱۶۴). سلطان محمد دوم پادشاه عثمانی (۸۵۵-۸۸۶ ه.ق) در نامه ای به رستم بیگ چمشگزک نوه امیر شیخ حسن از او یاری خواست اما رستم پذیرفت و قلعه کماخ را به عثمانی‌ها تسلیم نکرد (بیگ‌پاشا، ۱۳۷۴: ۳۵۳).

شاه اسماعیل صفوی در ایام سلطنت خود گروهی از کردهای قرمانلو (قهرمانلو) را به طور پراکنده برای دفاع از مرزهای خراسان به این ایالت کوچانید (توحی، ۱۳۷۱: ۲۵/۱). ظاهراً قرمانلوها نخستین گروه از کردهای کوچانیده به خراسان در زمان صفویان بودند. شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۱۲ ه.ق سردار خود نورعلی خلیفه را برای تسخیر ولایت چمشگزک فرستاد. رستم بیگ، چمشگزک را به او تسلیم نمود و خود به خدمت شاه اسماعیل رسید (وان برو بین سن، ۱۳۷۸: ۲۱۳). شاه نیز ناحیه ای از توابع عراق را در عوض ولایت چمشگزک به او واگذار نمود. رستم بیگ که در جنگ چالدران به حمایت از شاه اسماعیل شرکت نموده بود در این جنگ کشته شد و پس از او پسرش پیر حسین بیگ پس از اطلاع از مرگ پدر از قلمرو او در عراق خارج و به جانب مصر روان شد. او در بین راه برای گرفتن انتقام از نورعلی خلیفه به سلطان سلیم اول (۸۷۲-۹۲۶ ه.ق) پیوست (روحانی، ۱۳۹۰: گفتار ۲۵). سلطان سلیم به محمد پاشا دستور داد که به همراه پیر حسین بیگ، چمشگزک را از نیروهای نور علی خلیفه پس بگیرد. اما پیر حسین قبل از رسیدن قوای محمد پاشا به کمک مردم ایل چمشگزک او را شکست داد و به مدت ۳۰ سال با اقتدار در میان ایل خود حکومت کرد (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۴۹).

ایل کرد چمشگزک و مذهب تشیع

مطالعات در خصوص دین و مذهب مردمان کرد نشان از آن دارد که غالباً اهل سنت و شافعی مذهب‌اند، ولی ایل چمشگزک دارای مذهب تشیع می باشد. در نتیجه این سوال مطرح می‌گردد که به چه دلیل و در چه زمانی این ایل بزرگ مذهب تشیع را اختیار نموده است؟ پاسخ به این سوال نیازمند بررسیهای دقیق در سوابق تاریخی این ایل می باشد.

به نظر میرسد سکونت اولیه ایل چمشگزک در آناتولی شرقی و در ولایت ترنج ایلی در دیار بکر و جنوب ارزنجان یکی از دلایل شیعه مذهب بودن این ایل بزرگ باشد. در زمان شاه اسماعیل صفوی که مذهب تشیع مذهب رسمی ایران گردید، پیروان و مریدان مشایخ صفوی به ترویج مذهب تشیع در ایران و در میان قبایل ساکن در آناتولی شرقی پرداختند. با توجه به نسب صفویان که همه از عرفای نامی زمان خود بوده اند، از جمله شیخ صفی الدین اردبیلی (۷۳۵-۶۵۰ ه.ق) و جانشینان او شیخ صدرالدین موسی (۷۳۵-۷۹۴ ه.ق)، سلطان خواجه علی (۷۹۴-۸۳۰ ه.ق) و شیخ صدرالدین ابراهیم (۸۳۰-۸۹۸ ه.ق). مبلغان صفوی در زمان شاه اسماعیل نیز تبلیغات گسترده ای را جهت ترویج مذهب

تشیع آغاز نمودند. یکی از مناطقی که شاه اسماعیل به دلایل سیاسی قصد ترویج تشیع را در آن داشت ، منطقه سیواس در شرق آناتولی بود که ایل چمشگزک نیز در این منطقه سکونت داشت. این مبلغان توانستند مذهب تشیع را در میان طوایف زیادی در این منطقه ترویج نمایند(احمد یاقی، ج.۷، ۱۳۹۱: ۵۲). یکی از دلایل موفقیت این مبلغان، سیاست ملایم سلطان بایزید دوم در مقابل این اقدامات بود. حضور او در جبهه های جنگ در قلب اروپا نیز زمینه مناسبی را برای گسترش تبلیغات پیروان و مریدان شیعه مذهب صفوی فراهم نمود. سلطان سلیم ولیعهد عثمانی که در این زمان حکومت طرابوزان را بر عهده داشت و شاهد فعالیت مبلغان صفوی بود تلاش زیادی نمود که سلطان عثمانی را برای مقابله با این تبلیغات متقاعد نماید، ولی به دلایل مذکور این تلاشها بی نتیجه ماند.

همان طور که قبلا اشاره گردید یکی از ایل های بزرگ کرد در آناتولی شرقی که با تبلیغات مبلغین صفوی مذهب تشیع را پذیرفت، ایل کرد چمشگزک بود. تغییر گرایش مذهبی در ادامه سبب نزدیکی روابط این ایل با صفویان گردید. به دلیل وجود روابط دوستانه بین ایل کرد چمشگزک و دولت صفوی در سال ۹۱۲ ه.ق، وقتی شاه اسماعیل سردار خود نورعلی خلیفه را برای تسخیر ولایت چمشگزک اعزام نمود، رستم بیگ رئیس این ایل ، منطقه را به نور علی خلیفه تسلیم و خود نیز به خدمت شاه اسماعیل رسید (بیگ پاشا، ۱۲۷۴: ۳۵۳). روابط صمیمانه بین صفویان و ایل چمشگزک ادامه یافت، بطوریکه درجنگ سرنوشت ساز چالدران که در سال ۹۲۰ ه.ق بین دولتهای ایران و عثمانی رخ داد، رستم بیگ رئیس ایل چمشگزک به همراه افراد ایل خود در حمایت از شاه اسماعیل وارد جنگ گردید که پس از شکست دولت صفوی در این جنگ، سلطان سلیم رستم بیگ و چهل نفر از فرماندهان او را به جرم همکاری با شاه اسماعیل به قتل رسانید. بعد از پیروزی سلطان سلیم در نبرد چالدران او اقدام به قتل شیعیان در آناتولی شرقی نمود و تعداد چهل هزار نفر از آنان را به قتل رسانید که این مسئله سبب کوچ تدریجی شیعیان و ایل کرد چمشگزک به داخل ایران گردید(محمد عارف اسپناچی پاشازاده، ۱۳۰۹: ۵۴-۴۶).

حرکت تاریخی ایل چمشگزک و حضور آنان در خراسان

با قدرت یافتن ازبکان در ماوراءالنهر، شمال شرق ایران آرامش خود را از دست داد. یکی از مشکلات بزرگ دولت صفوی در شمال شرق ایران حملات مکرر و بی امان ازبکان به این مرزها بود. ازبکان با رهبری شیبک خان، مؤسس این سلسله در سال ۹۱۳ ه.ق توانستند خراسان را از پسران سلطان حسین بایقرا بگیرند و چون سنی مذهب بودند به آزار شیعیان خراسان و بضی نقاط مرکزی ایران پرداختند(پیرنیا، ۱۳۹۰: ۶۷۲). شاه اسماعیل اول که در سال ۹۰۵ ه.ق تاجگذاری نموده بود ابتدا به تنبیه ترکمانان آق قویونلو که قاتل پدر و جد پدری او بودند پرداخت. وی پس از شکست آنان در عراق عجم بر مراد بیگ آق قویونلو غلبه نمود و در سال ۹۱۴ ه.ق پس از فتح فارس و کرمان به تبریز

مراجعت نمود. شاه اسماعیل سیاستش در مورد کردستان این بود که امارات و حکومت‌های کرد را از بین برده و نفوذ و قدرت قزلباش را در آنجا توسعه دهد و این درست بر عکس سیاست دولت عثمانی بود که با ایجاد نواحی کرد نشین و گماردن امرای کرد بر آن‌ها، قوم کرد را از خود راضی می‌نمود. (زکی بیگ، ۱۳۷۸: ۱۳۰). شاه اسماعیل پس از فراغت از تأمین امنیت غرب و مرکز ایران در سال ۹۱۶ ه.ق به سوی خراسان عزیمت و مشهد را تصرف نمود. وی در حمله به مرو که ازبکان به آنجا پناه برده بودند در نبردی سنگین شکست بزرگی را بر ازبکان وارد ساخت به طوری که شیبیک خان در معرکه جان سپرد. (پیرنیا و اقبال، ۱۳۹۰: ۶۷۳).

پس از مرگ شاه اسماعیل امرا و اعیان دولت، طهماسب فرزند بزرگ او را به سلطنت برگزیدند. چون شاه طهماسب (۹۸۴-۹۳۰ ه.ق) هنوز کودک بود امور کشور در دست امرا قرار گرفت و به دلیل رقابت بین آنها وضعیت کشور رو به اختلال گذاشت. این شرایط سبب حمله عبیداله خان ازبک در سال ۹۳۰ ه.ق به خراسان و تصرف این منطقه گردید. در دوران سلطنت شاه طهماسب یکم اسفراین حداقل شش بار مورد حمله ازبکان قرار گرفت (متولی حقیقی، ۱۳۸۷: ۸۸). در محرم سال ۹۳۵ شاه طهماسب شکست سختی را در نزدیکی شهر جام به عبیداله خان ازبک وارد نمود که در نتیجه ازبکان به ماوراءالنهر گریختند (پیرنیا و اقبال، ۱۳۸۹: ۶۷۶). دلایل حملات ازبکان به مرزهای شمال شرقی ایران به شرح ذیل می‌باشد:

- ۱- دوری خراسان از مراکز دولت صفوی (تبریز، قزوین، اصفهان)
 - ۲- استقرار دولت سنی مذهب ازبکان در ماوراءالنهر که دشمنی آشکاری با دولت شیعه مذهب صفوی داشت
 - ۳- هماهنگی بین دو دولت مسلمان سنی ازبکان در شرق و عثمانی در غرب برای ایجاد اختلال در آرامش و امنیت مناطق مرزی ایران
- اقدامات دفاعی شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب نتوانست مانع از حملات ازبکان گردد به طوری که با پیروزی عبدالمومن خان ازبک بسیاری از شهرهای خراسان ویران و غارت گردید و مردمان زیادی اسیر و در نقاط دور خیره و خوارزم به فروش رسیدند. ازبکان از مناطق مرزی پا را فراتر نهاده و تجاوزات خود را به مناطق مرکزی ایران از جمله نیشابور، دامغان، کاشان، اراک نیز گسترش دادند. شاه عباس صفوی که در آغاز حکومت خود در سال ۹۹۶ ه.ق با دو دشمن بزرگ در شرق و غرب مرزهای خود مواجه گردیده بود چون توان مبارزه هم‌زمان با دو دولت را نداشت، ابتدا با دولت عثمانی صلح نمود و تصمیم به دفع تجاوزات ازبکان گرفت.

شاه عباس که در میان شاهان صفوی به تیزهوشی و تدبیر مشهور است با توجه به شناختی که از سوابق شجاعت و بی‌باکی طوایف کرد و روحیه وطن پرستی و علاقه آنان به آب و خاک ایران داشت، تصمیم گرفت از این استعداد و توانمندی در جهت ایجاد آرامش و امنیت در مرزهای شمال

شرق ایران استفاده کند. شاه عباس در مجمعی که از سران کرد تشکیل داده بود موقعیت جلگه تهران را برای تعلیف دام و احشام آنان تشریح و سران کرد را تشویق به مهاجرت به آن منطقه نمود. ایل کرد شیعه چمشگزک که از نظر جا و مکان در منطقه مهاباد در تنگنا بود از این پیشنهاد استقبال و حدود چهل هزار خانوار کوچ بزرگ و تاریخی خود را به جلگه های تهران و خوار و ورامین آغاز کرد (توحیدی، ۱۳۷۱: ۲۸/۱).

این حرکت که در سال ۱۰۰۵ ه.ق انجام گرفت باعث شد کردها به مدت دو سال در جلگه تهران و خوار و ورامین اتراق نمایند. کردهایی که شاه عباس به خراسان کوچانید و کرمانج نامیده می‌شوند از هفت ایل به نامهای: ۱- زعفرانلو یا چمشگزک که خود سه شعبه اند: ممنکرد، پرتک، سقمان ۲- آرامانلو ۳- کیوانلو ۴- عمارلو ۵- شادلو ۶- بچاوند ۷- باوه نور تشکیل یافته اند. (میرنیا، ۱۳۶۸: ۴۹).

در این زمان ازبک‌ها به جسارت خود افزوده و از حدود خراسان پا را فراتر نهاده، نواحی شاهرود و دامغان و سمنان را نیز مورد قتل و غارت و تخریب قرار داده به طرف کاشان و اراک پیشروی نمودند. آنها پس از غارت آن نواحی با اموال و اسیران فراوانی در حال بازگشت بودند که در منطقه ورامین با کردهای چمشگزک مواجه و در حمله غافلگیرانه کردها، بسیاری از ازبک‌ها کشته شدند و عده کمی توانستند از این میدان بگریزند. در نتیجه اسرای اراکی و کاشانی آزاد گردیده و با اموال و اثاثیه‌شان به شهرهای خود بازگشتند.

شاه قلی سلطان چمشگزک رهبر ایل کرد مستقر در نواحی دشت تهران و ری از شاه عباس تقاضا کرد که چنانچه اجازه دهد او با کردهای تحت فرماندهی خود به سوی خراسان پیشروی نموده و جنوب این ایالت یعنی از یزد تا مشهد و هرات را که به دلیل حملات مکرر ازبک‌ها به ویرانه تبدیل شده بود از دشمن بازپس بگیرند. شاه عباس از این پیشنهاد استقبال کرده و پس از مشاهده رشادت‌های ایل کرد چمشگزک در متلاشی نمودن سپاه متجاوز ازبک با این پیشنهاد موافقت نمود. با ضربه نابود کننده کردهای منطقه ورامین، روحیه جسارت و شکست ناپذیری ازبک‌ها در میان سپاهیان ایران از بین رفت و با حرکت جنگ آوران کرد در سال ۱۰۰۷ ه.ق به سوی مرزهای خراسان این منطقه از لوٹ وجود ازبک‌ها پاکسازی و وضع منطقه به کلی دگرگون شد (توحیدی، ۱۳۷۱: ۲۹/۱).

شاه عباس، شاه قلی سلطان «در سالهای آخر سلطنت شاه عباس حکومت کردهای خراسان به شخصی به نام یوسف سلطان که از قورچیان شاه عباس بود واگذار شد که خانواده خوانین شادلو از اولاد و احفاد او می‌باشند.

حکومت کردها بعد از یوسف سلطان به خانواده چمشگزک رسید ولی ایل شادلو تحت ریاست اولاد یوسف سلطان باقی ماند.» فرمانده ایل را لقب امیرالامرای داد و چهل هزار خانوار از کردهای چمشگزک را که به مدت ۲ سال در جلگه تهران و ورامین مستقر بودند کوچانیده و در این ناحیه

سکونت داد چون این طوایف شیعه مذهب بودند، با انگیزه دینی و با قدرت و شجاعت از تجاوزات ازبکان سنی مذهب به مرزهای ایران جلوگیری و آرامش و امنیت را در مرزهای شمال شرق ایران برقرار نمودند. (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ۵۹۹/۲).

در اواخر عهد صفوی و به ویژه در دوران سلطنت شاه سلطان حسین به علت ضعف دولت صفویه امور کشور مختل و حملات ازبکان و ترکمنان اورگنجی و بخارایی به خراسان شدت گرفت و سبب ایجاد تغییراتی در مناطق استقرار کردها گردید. اعتماد السلطنه در این باره در مطلع الشمس می نویسد. «در دوران سلطنت شاه سلطان حسین که امور دولت مختل گردید اکراد آخال نشین از تاخت و تاز اورگنجی و بخارایی شوریده، روی به کوه و معقل های سخت گذاشتند. در آن زمان ولایت قوچان و شیروان و بجنورد و سملقان مسکن طوایف گرایلی بود (متولی حقیقی، ۱۳۸۷: ۱۳۵). اکراد برای اینکه یورتی به جهت خود به دست آرند بنای زد و خورد با طایفه گرایلی گذاشتند و در اندک زمانی آن ها را از محلات مزبور خارج ساختند. قراخان پسر محراب بیگ بن شاه قلی سلطان که وکیل اکراد چمشگزک و در معنی ایلخان این طایفه بود در این نواحی استیلا یافت و شیروان را یورت قرار داده و تمام چهل هزار خانوار اکراد چمشگزک را که زعفرانلو و شادلو و کاوانلو و عمارلو و قراچورلو باشند در یورت های قوچان و شیروان و بجنورد و مضافات ساکن ساخت. چنان که از چناران علیا تا چناران سفلی که در حوالی بجنورد است به زعفرانلو اختصاص یافت و از چناران سفلی تا سملقان یورت شادلو شد و کاوانلو را به سمت مشهد مقدس انداختند» (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۲: ۱۵۳/۱).

کردهای چمشگزک مدافع استقلال و تمامیت ارضی ایران

چنان که گفته شد، با استقرار کردهای چمشگزک در خراسان سده استوار در مقابل تهاجم مکرر ازبکان به مرزهای خراسان و مناطق مرکزی ایران ایجاد گردید و امنیت و آرامش در این منطقه حساس از مرزهای شمال شرقی کشور برقرار گردید. این ایل همچنین نقش مهمی در دفع تجاوزات دولت عثمانی و کشور تجاوز گر روسیه در خلال سلسله های افشاریه و قاجاریه داشته است که به اختصار به چند مورد از نقش کردها در این فتوحات اشاره می گردد:

۱- نقش کردهای خراسان در شکست افغانه اصفهان

به رغم حضور کردهای چمشگزک در مرزهای شمال شرقی کشور با آغاز سلطنت شاه سلطان حسین صفوی به دلیل عدم شایستگی این شاه صفوی و ضعف امور کشور، افغانها از فرصت استفاده نموده و به ایران حمله کردند. آنها اصفهان مرکز حکومت را تصرف و شاه صفوی و فرزندان او را به قتل رساندند. آنها همچنین حرم شاه صفوی را بین افغان های مهاجم تقسیم نمودند.

این حوادث در زمانی اتفاق افتاد که نادر توانسته بود در خراسان کردها و بعضی از ایلات افشار و جلایر و بیات را متحد نماید. در این شرایط طهماسب میرزا فرزند شاه سلطان حسین که توانسته بود از زندان قزوین فرار نماید، با حضور در مازندران و خراسان، با نادر ملاقات نموده و هم‌پیمان شدند که اصفهان و سپس سایر مناطق ایران را از تصرف افغانها خارج نمایند. نادر با تدابیر سنجیده ابتدا، بسوی هرات لشکر کشید. جنگ نادر با افغانها در سال ۱۱۴۱ ه.ق در محل سنگان در نزدیکی هرات اتفاق افتاد که به شکست افغانها انجامید. نبرد بعدی میان نادر و افغانه در جنوب شرقی تربت جام در گرفت که سپاه ذوالفقار خان افغان شکست خورد و منهزم شد (مروی، ۱۳۶۴: ۱/۱۳۲۱).

پس از این فتوحات نادر به همراه سپاهیان خود که کردهای چمشگزک به فرماندهی نجف سلطان قراچورلو «میرزا مهدی خان استر آبادی در تاریخ جهانگشا می نویسد: نخست فوجی از اکراد قراچورلو به فرماندهی نجف سلطان ۴۰۰ نفر از آنان را به هلاکت رساندند.» جلودار آنان بود در سال ۱۱۴۲ ه.ق در مهمان دوست دامغان اولین ضربه شکننده خود را به اشرف افغان وارد نموده و سپاه او را متلاشی و متواری نمود. نادر پس از این پیروزی شاه طهماسب را در تهران گذاشت و خود با سپاهیان به سوی اصفهان حرکت نمود و در مورچه خورت اصفهان ضربه مهلک دیگر خود را بر اشرف افغان وارد نمود (مرعشی صفوی، ۱۳۶۲: ۸۰) و پس از تصرف اصفهان باقیمانده حرم شاهنشاهی صفوی را که در اسارت او بودند با احترام به اصفهان باز گردانید. نادر در سومین رویارویی خود با اشرف افغان در زرقان فارس هسته اصلی سپاه او را متلاشی و منهزم نمود. اشرف افغان به سوی بندر عباس متواری و سپس به والی قندهار پناهنده و توسط او کشته و به سزای اعمال ننگین خود رسید (توحیدی، ۱۳۷۱: ۹۷/۱).

۲- نقش کردهای چمشگزک در بیرون راندن ترکان عثمانی از ایران

در سال ۱۱۴۵ ه.ق پس از این که نادر خیر شکست سنگین شاه طهماسب در غرب کشور و تصرف نواحی غربی ایران تا همدان توسط نیروهای عثمانی را دریافت نمود با انتشار اعلامیه ای معاهده شاه طهماسب و دولت عثمانی را بی اعتبار نامید و فوراً عازم اصفهان شد. وی پس از بر کناری شاه طهماسب و به تخت نشاندن فرزند شیرخوارش دو تن از بزرگترین سرداران خود یعنی رضا قلی خان کرد زعفرانلو «رضا قلی خان کرد زعفرانلو ایلخان کردهای زعفرانلو بزرگترین طائفه ایل بزرگ کرد چمشگزک می باشد که از شمال غرب کشور به خراسان منتقل شدند.» و طهماسب قلی خان جلایر را با تعداد پانزده هزار سواران خراسان جهت جلوگیری از پیشروی سپاهیان عثمانی روانه کرمانشاه نمود (توحیدی، ۱۳۷۱: ۱/۱۰۸). نیروهای اعزامی نادر سپاهیان عثمانی را متلاشی نموده و غنایم فراوانی نصیب سپاه ایران نمودند (مروی، ۱۳۶۴: ۱/۱۳۳).

۳- نقش کردهای چمشگزک خراسان در فتح هندوستان

نادرشاه روز پنجشنبه هفتم صفر ۱۱۵۱ ه.ق از قندهار عازم کابل و هندوستان گردید. در این سفر دو ساله کردهای چمشگزک خراسان که قسمتی از سپاه نادر بودند مبارزات و جانفشانی‌های فراوانی از خود به نمایش گذاشتند. محمد حسین خان کرد زعفرانلو و حاجی کردخان حمزه کانلو فرماندهان کردهای چمشگزک در این سپاه بودند. نادر عازم هندوستان بود که جاسوسان خبر دادند یولبارس خان پادشاه خوارزم با نیروی صد هزار نفره قصد حمله به خراسان را دارد. نادرشاه رضاقلی میرزا و طهماسب خان جلایر و محمد حسین خان کرد زعفرانلو را مأمور سرکوبی سپاه خوارزم نمود و خود با شصت هزار نیرو عازم پیشاور گردید. حاجی خان کرد حمزه کانلو از کردان چمشگزک در پیشاپیش سپاه نادر به حرکت درآمد. نادر پس از فتح پیشاور به سوی لاهور حرکت و در سه منزلی آن شهر مستقر گردید. (توحیدی، ۱۳۷۱: ۱۲۱/۱).

از آن سوی زکریاخان حاکم لاهور با هشتاد هزار مرد جنگی در کنار رودخانه لاهور اردو زد. او حتی از محمد شاه گورکانی پادشاه هندوستان تقاضای کمک کرد که در نتیجه چهل هزار نیرو به فرماندهی محبت خان راج پوت به او پیوستند. نادر حاجی خان کرد حمزه کانلو را با چهارده هزار نیرو مأمور ممانعت از پیوستن او به زکریا خان نمود. حاجی خان پس از مشاهده پیش قراولان سپاه راج پوت با استفاده از تجربیات جنگی خود را به بالای تپه ای رسانیده و نیروهای دشمن را حدود چهل هزار نفر برآورد نمود. او با توجه به آمار نیروهای خود آنها را در تنگه ای عمیق به کمین گذاشت و با بکارگیری فنون نظامی با هزار نفر به مقابله سپاه پرداخت. فرمانده کرد با جنگ و گریز سپاه مقابل را به داخل تنگه کشانیده و در لحظه مناسب نیروهای او از کمینگاه خارج و لشگریان راجپوت را قتل عام نمودند. در این هنگام محبت خان که به دهانه دره رسیده بود با شکست و فرار وحشت زده نیروهای خود مواجه گردید. محبت خان با اطلاع از کمینگاه نیروهای نادری قتل عام نیروهای خود را حتمی دانسته و به سوی جهان آباد متواری گردید. با تدابیر فرماندهان کرد چمشگزک سپاه شصت هزار نفری ایران لشگریان بیشمار هند را متلاشی نمودند تا در نهایت محمد شاه گورکانی به حضور نادر رسیده و اعلام تسلیم نمود (استرآبادی، ۱۳۴۱: ۳۲۷). غنایمی که در این جنگ به تصرف نادر درآمد سی هزار شتر طلا و جواهرات بوده است (مروی، ۱۳۶۴: ۵۰۶/۲).

۴- مذاکرات ایلخان کرد چمشگزک با لردکرزن سیاستمدار انگلیس

روسها با استفاده از نقاط ضعف ناصر الدین شاه درصدد برآمدند نه تنها خراسان بلکه سرتاسر نواحی شمال یعنی از مهاباد و گیلان و مازندران و خراسان گرفته تا مرز افغانستان را از ایران جدا

سازند. نقشه روسها به وسیله جاسوسان انگلیس افشاء گردید. به همین دلیل امپراتوری انگلیس سیاستمدار معروف خود « لرد کرزن » را به قوچان فرستاد تا قدرت دفاعی کردها در مقابل تجاوزات روس را بررسی نماید. لرد کرزن به امیر حسین خان شجاع الدوله زعفرانلو ایلخان خراسان گفت: « خراسان سرزمین بسیار غنی است و می گویند که روسیه قصد تصرف آنرا دارد؟ »

امیر پاسخ داد: « چگونه روسها میتوانند بر آن دست یابند؟ »

لردکرزن گفت: « به همان ترتیبی که سرزمین اتک آخال را تصرف کردند.»

امیر با تغییر گفت: « نه این محال است مردم در این راه جانبازی خواهند کرد و همه با هم برای حفظ مشهد خواهند ایستاد آنها سربازان خوبی هستند. ما دوغ نیستیم که روسها ما را سر بکشند. ما دیوار انسانی داریم که از دیوار سنگی محکمتر است» (توحیدی، ۱۳۶۴: ۴۲۷/۲).

۵- نبرد گوگ تپه

در سال ۱۲۹۰ ه.ق سپاهیان روس به فرماندهی کاوفمان حملات خود را بسوی ترکمانان یموت در شمال رودخانه اترک آغاز کردند. در سال ۱۲۹۵ ه.ق سرتیپ لازارف ارمنی و پس از آن ژنرال اسکوپلفت مأمور اشغال ترکمنستان، عشق آباد، فیروزه، نسا و فراوه شدند که با تجهیزات سنگینی تعرضات خود را شروع کرده بودند. مردم این مناطق که از کردهای زعفرانلو و شادلو (شاخه های کردهای چمشگزک) و ترکمانان یموت و گوگلان تشکیل شده بودند، برای اولین بار با یکدیگر علیه دشمن مشترک روسی متحد و حماسه معروف به « نبرد گوگ تپه » را بوجود آوردند(توحیدی، ۱۳۶۴: ۴۳۰/۲).

رهبری کردهای چمشگزک در این سلسله جنگها با سردار محمد دردی خان جلالی بود که با شجاعت بی نظیری با روسها به جنگ پرداخت. با وجود تلاش زیاد مدافعین از جان گذشته کرد و ترکمن سرانجام روس ها در پناه آتش توپ خانه و سلاح های جدید و آتشین بر کردها و ترکمن ها که با شمشیر می جنگیدند پیروز شدند. مدافعین کرد و ترکمن تا آخرین نفر با روسها جنگیدند ولی روسها با پشتوانه تجهیزات پیشرفته خود مقاومت آن ها را در هم شکسته و زمینه قرارداد ننگین آخال را فراهم نمودند(توحیدی، ۱۳۶۴: ۴۳۰/۲).

نتیجه

با استقرار ایل کرد چمشگزک در مرزهای شمال شرق کشور، این ایل بزرگ مانند سد دفاعی مستحکمی در مقابل تهاجمات ازبکان عمل نموده و مانع از ادامه این حملات گردید. در نتیجه امنیت و آرامش در مرزهای شمال شرق و بعضی از نقاط داخل کشور تامین و مردم این مناطق از رنج و مصیبت ناامنی آسوده گردیدند. با تحلیلی در علل این دستاورد و همچنین با تاملی در حضور جوانمردانه این ایل در دفاع از تمامیت ارضی این سرزمین، در اخراج متجاوزین روس و عثمانی و افغان و ایثار و فداکاری آنان برای حفظ آب و خاک ایران، این نتیجه آشکار می گردد که مهمترین عامل در این موفقیت ها، باورهای دینی و انگیزه مذهبی این ایل بزرگ بوده است. با توجه به اینکه دولت ازبکان سنی مذهب بوده و به همین دلیل نیز به طور مکرر زمینه های ناامنی را در نوار مرزی و بعضی نقاط داخل این کشور فراهم می نمود، کردهای شیعه مذهب این ایل مقابله با آنان را وظیفه خود دانسته و با قدرت در مقابل آنان مقاومت نموده و مانع از ادامه حملات آنان گردیدند. بنابراین خصوصیت شجاعت و سلحشوری که از ویژگی های نژادی کردها می باشد و همچنین انگیزه های دینی، سبب گردید کردهای چمشگزک در طول چهار قرن با اقتدار و عزت از مرزهای شمال شرقی ایران دفاع نموده و در حفظ تمامیت ارضی این آب و خاک از بذل جان و مال دریغ نمایند.

کتابنامه

- ابن حوقل (۱۳۴۵)، **صوره الارض**، ترجمه جعفر شعار، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- احمد یاقی، اسماعیل (۱۳۹۱)، **دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال**، به کوشش رسول جعفریان، چاپ هفتم، قم: سبحان.
- اسپناچی پاشا زاده، محمد عارف (۱۳۷۹)، **انقلاب الاسلام بین الخواص و العوام**، به تصحیح رسول جعفریان، قم: دلیل.
- استرآبادی، میرزا مهدی خان (۱۳۴۱)، **جهانگشای نادری**، به اهتمام عبدالله انوار، چاپ اول، تهران: انجمن آثار ملی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۷)، **مسالک و ممالک**، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، تهران: بنیاد موقوفات افشار .
- اعتماد السلطنه، محمد حسن خان (۱۳۶۳)، **مطلع الشمس**، جلد ۲-۱ چاپ دوم، تهران: فرهنگسرا .
- بدلیسی، شرف خان (۱۳۷۷)، **تاریخ مفصل کردستان**، به اهتمام ولادیمیر ویلیامینوف زرنوف، چاپ دوم، تهران: اساطیر.
- بیگ پاشا، احمد فریدون (۱۲۷۵-۱۲۷۴ق)، **منشآت السلاطین**، استانبول: بی جا.
- پیرنیا، حسن (۱۳۹۰)، **تاریخ ایران از عهد قدیم تا انقراض قاجاریه**، چاپ اول، تهران: انتشارات نیک فرجام.
- توحیدی، کلیم الله (۱۳۷۱)، **حرکت تاریخی کرد به خراسان**، ج ۲-۱، چاپ دوم، مشهد: سروش.
- حداد عادل و همکاران، غلامعلی (۱۳۸۷)، **دانش نامه جهان اسلام**، ج ۱۲، تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
- روحانی، بابا مردوخ (۱۳۹۰)، **تاریخ مشاهیر کرد**، ج ۱، چاپ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- زکی، محمد امین (۱۳۷۸)، **کرد و کردستان**، ترجمه حبیب الله تابانی، ج ۲، تبریز: آیدین.
- طهرانی، ابوبکر (۱۳۵۶)، **دیار بکریه**، به کوشش نجاتی لوغال وفاروق سومر، ج ۱، چاپ دوم، تهران: بی جا.
- گونسالس دوکلاویخو، روی (۱۳۴۶)، **سفرنامه کلاویخو**، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ دوم، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- متولی حقیقی، یوسف (۱۳۷۸)، **تاریخ تحولات سیاسی شهرهای خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی**، مشهد: آهنگ قلم.

-(۱۳۸۹)، **تاملی پیرامون علل و چگونگی مهاجرت کردها به خراسان**، چاپ اول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- مرعشی صفوی، میرزا محمد خلیل (۱۳۶۲)، **مجمع التواریخ**، به اهتمام عباس اقبال، چاپ دوم، تهران: انتشارات سنائی.
- مردوخ کردستانی، محمد (۱۳۷۹)، **تاریخ کرد و کردستان**، ج ۱، چاپ اول، تهران: کوثر.
- مروی، محمد کاظم (۱۳۶۴)، **عالم آرای نادری**، ترجمه عنایت الله رضا، تصحیح محمد امین ریاحی، ج ۱، چاپ اول، تهران: زوار.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۴۹)، **التنبیه والاشراف**، به تصحیح عبدالله اسماعیل العاوی، مترجم ابولقاسم پاینده از چاپ قاهره، تهران: بی جا.
- میرزا سمیع، محمد سمیع (۱۳۷۸)، **سازمان اداری حکومت صفوی**، ترجمه مسعود رجب نیا، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرنیا، سیدعلی (۱۳۶۸)، **ایلها و طایفه های عشایری کرد ایران**، چاپ دوم، مشهد: نسل دانش.
- مینورسکی، ولادیمیر (۱۳۷۰)، **کرد تاریخ زبان و فرهنگ**، ترجمه محمد رئوف یوسفی نژاد، چاپ اول، تهران: نشر سهیل.
- ناتانیل کوزن، جورج (۱۳۷۳)، **ایران و قضیه ایران**، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- وان برو بین سن، مارتین (۱۳۷۸)، **جامعه شناسی مردم کرد** (آغا، شیخ و دولت)، تهران: نشر پانیزد.

Chamshgazak Kurdish tribe and protection of the northeastern borders of Iran after the eleventh century AH

Ali.bagherzadeh, Shahrbanoo delbari

Abstract

One of the Kurdish tribes of Iran is the Chamshegzak tribe. This tribe lived in the areas of Diar Bakr and south of Arzanjan in the Ottoman Empire before the 11th century AH. Due to the Ottoman government's violent treatment of Shiites in eastern Anatolia, the Chamshgazak Shiite tribe migrated into Iran and settled in and around the Mahabad border region. Simultaneously with the formation of the Safavid Uzbek government, which came to power in Transoxiana, they repeated their attacks, depriving peace and security on the northeastern borders of Iran. Insecurity on the northeastern border of Iran was the main security problem of this government. One of the actions of the Safavid government was the migration of this tribe from northwestern Iran to the northeastern borders of the country. The tribe acted as a strong defensive wall to prevent Uzbek aggression and prevented them from invading central Iran. One of the main purposes of this article is to explain the reasons for the migration of this tribe to the northeastern border region of the country and the other purpose is to explain its defensive role against repeated Uzbek aggression. The study of the success factors of this tribe in achieving the above goals is the subject of this article, which is explained by descriptive-analytical method. Belief in the Shiite religion, racial courage and interest in the land and water of this land seem to have been the main factors in this success.

Keywords: Chamshegzak tribe, Safavid state, Uzbeks, Ottoman state



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی